

مطالعه تأثیرپذیری ارزش و میزان عرضه صادرات صنعتی از کیفیت نهادی کشورها (مطالعه موردی: کشورهای در حال توسعه منتخب)

فاطمه خانی¹

کارشناسی ارشد توسعه اقتصادی و برنامه‌نویسی،
دانشکده اقتصاد، دانشگاه فردوسی، مشهد

محمود هوشمند²

استاد و عضو هیأت علمی گروه اقتصاد دانشکده
اقتصاد، دانشگاه فردوسی، مشهد

تاریخ پذیرش: 1394/5/17

تاریخ دریافت: 1393/10/28

چکیده

عملکرد اقتصادی کشورها در طول زمان تا حد زیادی به محیط سیاسی، نهادی و قانونی آن‌ها وابسته است. با این تفکر، اقتصاددانان نهادگرا علت اصلی پایین بودن سطح درآمد سرانه در کشورهای توسعه‌نیافته را نبود بستر نهادی مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی مولد می‌دانند. از منظر ایشان عواملی نظیر نظام سیاسی، رفتار حاکمان، سیاست‌های عمومی، فرهنگ، مذهب و جز این‌ها وارد تحلیل‌های اقتصادی شده و با عنوان عوامل نهادی مورد ارزیابی واقع می‌شوند. همچنین امروزه توسعه صادرات صنعتی به‌عنوان یکی از بهترین هدف‌های توسعه اقتصادی کشورها شناخته می‌شود. این موضوع برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه که اغلب صادرکننده مواد اولیه هستند T حائز اهمیت است. اقتصاد تک‌محصولی و وابستگی به صدور مواد خام و اولیه از جمله مشکلات اساسی کشورهای در حال توسعه است که آثاری منفی بر ساختار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی فرهنگی این کشورها برجای گذاشته است؛ بنابراین شناخت عوامل تأثیرگذار بر صادرات صنعتی آن‌ها ضروری می‌نماید. از این رو مطالعه حاضر به روش داده‌های تابلویی³، به پژوهش در

1- نویسنده مسئول: Email: fatemehkhaniphd@gmail.com

2- Email: m-hoshmand@um.ac.ir

3- panel data

مورد تأثیر کیفیت نهادی بر صادرات محصولات صنعتی برای نمونه 14 کشور از کشورهای منتخب در حال توسعه بین سال‌های 2002 تا 2012 می‌پردازد. در مقاله از میانگین شش شاخص حکمرانی خوب در دوره مورد بررسی به عنوان شاخص نهادی استفاده شده است. همچنین علاوه بر شاخص نهادی از دو متغیر تولید ناخالص داخلی و نرخ ارز واقعی کشورها به عنوان متغیرهای کنترل استفاده شده است. نتایج برآورد مدل این فرضیه را تأیید می‌کند که بهبود کیفیت نهادی اثر مثبت بر عرضه صادرات محصولات صنعتی در کشورهای مورد مطالعه دارد. این مطالعه نشان می‌دهد که در این کشورها برای افزایش عرضه صادرات باید تلاش شود علاوه بر رفع موانع پولی چون نرخ ارز بر بهبود کیفیت نهادی توجه ویژه‌ای صورت گیرد.

کلیدواژه‌ها: کیفیت نهادی، ارزش صادرات صنعتی، داده‌های تابلویی، کشورهای در حال توسعه.

طبقه‌بندی JEL: O43, F14, O17

1- مقدمه

بخش تجارت خارجی به عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی در برنامه‌های توسعه کشورها، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به طوری که ارزش صادرات به عنوان توان نفوذی یک کشور در بازارهای جهانی، نمایانگر میزان توسعه‌یافتگی آن کشور است. روند جهانی‌سازی و پیوستن اغلب کشورها به سازمان تجارت جهانی و تلاش جهانی در راستای کاهش موانع تجاری بین کشورها، منجر به افزایش روزافزون رقابت در سطح بین‌الملل شده است، به گونه‌ای که اگر کشوری از قابلیت‌ها و توانمندی‌های لازم برای مقابله با این رقابت فشرده بین‌المللی برخوردار نباشد، تضمینی در مقابل بقای آن در اقتصاد پویا و پیچیده امروز جهانی وجود نخواهد داشت. نقش صادرات و اهمیت آن در زمینه رشد و شکوفایی اقتصاد کشورهای در حال توسعه نیز به خوبی شناخته شده است. می‌توان گفت یکی از مسائل مهم اقتصادی که امروزه بسیاری از کشورها، از جمله کشورهای در حال توسعه با آن دست به گریبان هستند وجود کسری در تراز پرداخت‌های خارجی و کمبود ارز مورد نیاز است که به عدم تعادل ارزی، کاهش ارزش پول ملی و خروج سرمایه از کشور منجر می‌گردد (Bakhtazma, 2011). گرچه راه‌های متعددی برای تأمین کسری ارزی وجود دارد ولی بر طبق گفته بسیاری از صاحب‌نظران اصولی‌ترین و مناسب‌ترین این روش‌ها، همان افزایش صادرات به خصوص صادرات صنعتی است که یک راه‌حل اساسی و اقتصادی به شمار می‌آید. از سوی دیگر بسیاری از کشورهای در حال توسعه عموماً به لحاظ منابع

فیزیکی و انسانی در مقایسه با کشورهای دیگر با مشکلات حادی روبرو نیستند اما به لحاظ عملکردهای رشد اقتصادی و به تبع گسترش صادرات صنعتی با مشکلات فراوانی روبرو هستند. تاکنون مطالعات و پژوهش‌های زیادی در مورد عوامل مؤثر بر صادرات صورت گرفته است عمده این پژوهش‌ها بر تأثیرگذاری عوامل قیمتی مثل نرخ ارز تأکید داشته و به عوامل غیر قیمتی توجهی نداشته‌اند، یا اگر هم داشته‌اند در چهارچوب یک مدل تجزیه و تحلیل کمی، بحث‌های کمتری صورت گرفته است. این پژوهش در پی آن است که به کیفیت نهادی به‌عنوان یک عامل غیر قیمتی در تابع صادرات صنعتی توجه نماید.

بنابراین مقاله اخیر در بخش دوم به پیشینه مطالعات صورت گرفته در این زمینه اختصاص دارد. سپس در بخش سوم مبانی نظری موجود ارائه و در بخش چهارم و پنجم به ترتیب متغیرهای تحقیق و تجزیه و تحلیل الگو تشریح می‌شود. سرانجام بخش ششم نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادهای سیاستی است.

2- مروری بر مطالعات تجربی

Manchin & Francois (2013) تأثیر زیرساخت‌ها و الگوی تجارت را با تخمین پواسن مورد توجه قرار داده‌اند آنان با استفاده از روش بایر به انتخاب شرکت‌ها جهت آزمون می‌پردازند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که صادرکننده و واردکننده به کیفیت نهادی مطلوب و توسعه خطوط حمل و نقل و زیرساخت‌های تجاری در مسیر تجارت خود نیاز دارد. Busse & Groning (2011). در مقاله‌ای تحت عنوان "بازبینی نفرین منابع: حکومت و منابع طبیعی" به بررسی تأثیر فراوانی منابع طبیعی بر شاخص‌های حکمرانی خوب با استفاده از روش داده‌های تابلویی پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که افزایش صادرات منابع سبب افزایش فساد شده و این اثر نسبت به سایر شاخص‌های حکمرانی بیش‌تر بوده است. به نظر Anderson & Marcouiller (2006) نهادهای با عملکرد ضعیف به تجارت خارجی آسیب می‌رسانند و در نهایت هزینه‌ها و ریسک تجاری با خارج از کشور را افزایش می‌دهند؛ این دو با شواهد و مستندات تجربی نشان می‌دهند که بدتر شدن اثر کیفیت نهادها به کاهش تقاضای خارجی می‌انجامد. Dollar & Kray (2003) رابطه مثبت میان درجه بازبودن اقتصاد و کیفیت نهادی را به صورت یک رابطه علی

دو طرفه تأیید می‌کند. مطالعات Meon & Sekkat (2004) نشان می‌دهد که در کشورهای عضو منا¹، کاهش تدریجی در کیفیت نهادها با عملکرد پایین صادرات و کاهش جذب سرمایه‌گذاری خارجی مرتبط است. نتایج مطالعه Gani & Prasad (2006) در بررسی کیفیت نهادی روی تجارت در کشورهای منتخب حوزه اقیانوس آرام نشان می‌دهد که اثربخشی دولت در حوزه واردات بیشتر از صادرات اهمیت دارد و بدتر شدن حاکمیت قانونی به کاهش صادرات در کشورهای مذکور منجر شده است.

در مطالعه Esazadeh & Ahmadzadeh (2009) نیز اثر نهادهای عمومی حاکمیتی از قبیل حاکمیت قانون، ثبات سیاسی، کیفیت بروکراسی، اثربخشی دولت و کنترل فساد در رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار، ولی اثر عامل حق اظهارنظر و پاسخگویی یا شاخص دموکراسی مثبت و غیر معنی‌دار است. نتایج مطالعه Mehrara & Rezaee (2010) بیان می‌دارد که چنانچه کیفیت نهادها در کشورهای درحال توسعه کمتر از سطح آستانه برآورد شده باشد، آزادسازی تجاری تأثیری منفی یا بی‌اهمیت در نرخ رشد اقتصادی دارد.

3- مبانی نظری

بر اساس تعریف North (1990)، نهادها قواعد بازی در جامعه هستند از دیدگاه وی، «نهادها محدودیت‌های طراحی شده توسط انسان‌ها هستند که تعاملات بشری را شکل می‌دهند به زبان فنی اقتصادی، نهادها مجموعه انتخاب‌های افراد را معین کرده و آن را محدود می‌کنند.» بر اساس دیدگاه اقتصاددانان نهادگرا، نهادها از آن حیث مهم‌اند که سبب ساختارمند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات بشری می‌شوند و مهم‌ترین کارکرد آن‌ها کاهش عدم اطمینان و هزینه‌های مبادله در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع است (Coase, 1960).

تأثیرگذاری نهادها روی تجارت حوزه گسترده‌ای را در بر می‌گیرد. برای نمونه کیفیت نهادی یک کشور می‌تواند روی تمایل یک بنگاه برای تجارت تأثیرگذار باشد عواملی چون فرآیند اداری طولانی، مقررات دست‌وپاگیر، عدم رعایت حقوق مالکیت، فساد و بی‌قانونی که در محیط

نهادی نامناسب رخ می دهد هزینه معاملاتی را افزایش داده و سبب می شود صادرکننده انگیزه خود برای ادامه فعالیت را، از دست بدهد (Meon & Sekkat, 2009). از سوی دیگر Rodrik خاطر نشان می کند که مانع اصلی تجارت بین الملل ممکن است در اجرای قراردادها نمایان شود. در این زمینه Anderson & Marcouiller (2006) نیز بیان می دارند که فقدان اجرای درست قراردادها می تواند به عنوان یک تعرفه روی ریسک طبیعی تاجر عمل کند و تجارت را کاهش دهد. در واقع وجود قوانین و مقررات بی ثبات و غیر شفاف این محیط را ناامن تر می گرداند در چنین حالتی نهادهای اقتصادی مناسب خواهند توانست قراردادها را مشخص کنند و شرایطی را فراهم نمایند که طرفین قراردادها را ملزم به پایبندی به تعهدات خود نماید و از این راه افزایش اطمینان و کاهش ریسک در مبادلات را به وجود آورند. همچنین Meon & Sekkat (2001)، با اشاره به مطالعه Anderson & Marcouiller در سال 2001 این گونه استنتاج می کنند که نهادهای ضعیف یک کشور اثری مثبت روی قیمت کالای صادراتی ایجاد کرده و تأکید می کند که ضعف نهادی یک کشور، کاهش صادرات را نتیجه خواهد داد. در مطالعه ای دیگر Anderson (2005)، به این موضوع می پردازد که در کشورهایی با عدم وجود ثبات سیاسی و احتمال وجود کودتا و هرج و مرج، بیشتر منابع از تخصیص به بخش های مزیت دار و صدور این گونه کالاها به مسائل نظامی و دفاعی اختصاص می یابد که این امر کاهش صادرات در بخش های مزیت دار را سبب خواهد شد.

Rodrik (2004) و Knack & Keefer (2007) بیان می دارند که نهادهای کارا بهره وری و رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می دهند، به گونه ای که با ایجاد بهره وری بالا در عوامل تولید، عامل تقویت کننده رقابت شده و اثری مثبت و معنادار در تجارت بر جا می گذارند. نتیجه این روند به کاهش هزینه مبادله و افزایش صادرات منجر می شود که در دیدگاه های Coase (1937) نمود واقعی دارد. به طور کلی اگر در کشوری نهادهای قانونی و اجتماعی مناسب ایجاد شوند، دانش و بهره وری حالت درونزا پیدا می کند، کیفیت نهادهای می شود، نوآوری به صورت خود افزا رشد می کند، قدرت های فردی و انحصاری اقتصادی مهار و محدود می شوند، اخلال و موانع تعامل پویای بخش ها از میان برداشته می شوند، در آن صورت تخصیص بهتر منابع با هزینه مبادله کمتر در توسعه تجارت به ویژه صادرات همراه خواهد بود.

با توجه به مطالب عنوان شده سؤالی که ایجاد می شود این است که آیا محیط نهادی کشورها

بر انواع مختلف صادرات تأثیرگذاری یکسانی دارد؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که انتظار می‌رود کیفیت نهادهای مختلف در یک کشور اثرات متفاوتی بر صادرات محصولات صنعتی و صادرات منابع طبیعی (مواد اولیه و خام) بگذارد. در این زمینه Rauch (2002) بیان می‌کند که وجود نهاد غیررسمی چون شبکه قومی چین باعث می‌شود که تجارت کالاهای متمایز نسبت به تجارت کالاهای همگن بیشتر شود او بیان می‌کند که این نهاد به‌عنوان یک کمیته اجرای قرارداد عمل کرده و امنیت قراردادهای بین‌الملل را در محیط قانونی ضعیف تضمین می‌کند. نظر به اینکه کالاهای صنعتی نسبت به منابع طبیعی متمایزترند این بررسی به‌طور ضمنی اشاره به اثر متمایز نهادها روی دو نوع کالای صنعتی و منابع طبیعی دارد. همچنین برخی معتقدند در کشورهایی که نهادهای ضعیف‌تری دارند سرمایه‌گذاری کمتری در آموزش صورت می‌گیرد (Mauro, 1998:248). بر این اساس انتظار می‌رود سواد و مهارت کمتر در جامعه، تولید و صادرات کشور را از کالاهایی که نیازمند مهارت و تخصص بیشتری هستند به سمت تولید کالاهایی که به مهارت کمتر نیاز دارند، سوق دهد. بنابراین منابع طبیعی که تولید آن نیاز به مهارت کمی دارد منابع فیزیکی و انسانی بیشتری را به خود اختصاص می‌دهد در نتیجه می‌تواند حجم بیشتری از صادرات کل را به خود اختصاص دهد. همچنین Mion & Ornelas Araujo (2012) تأکید می‌کنند ضمانت اجرای قراردادها در شکل‌دهی و تقویت تجارت بین‌الملل در سطح بنگاه‌های اقتصادی اهمیت بسیاری دارد. آن‌ها بیان می‌دارند که صادرکنندگان در صورتی برای مدت‌زمان بیشتری در بازار جهانی باقی می‌مانند که نهادهای اقتصادی به‌ویژه کیفیت سیاست‌گذاری دولت در حوزه‌های مختلف اعم از تأمین اعتباری، ارزی، مالیاتی و تعرفه‌ای؛ ضمانت اجرای قراردادها و حمایت از حقوق مالکیت دارایی‌های فیزیکی و معنوی با ایجاد سیستم قضایی عادل و کارا وجود داشته باشد. این امر برای حضور موفق محصولات صنعتی در بازارهای خارجی که نسبت به بازارهای منابع طبیعی رقابتی‌تر بوده بیشتر احساس می‌شود؛ بنابراین انتظار می‌رود با بهبود نهادهای ذکر شده رقابت‌پذیری کشور در سطح بین‌الملل بیشتر شده و مسیر برای صادرات محصولات صنعتی هموار گردد. Memedovic (2009) تأیید می‌کند که نهادهایی رسمی همچون سازوکار لازم برای پیوستن و مشارکت در سازمان تجارت جهانی می‌تواند بر تغییرات ساختاری صنایع اثر بگذارد و زمینه رشد تولید و صادرات بنگاه‌های اقتصادی را فراهم آورد. از سوی دیگر، Rickne (2009) توضیح می‌دهد که کیفیت مناسب شاخص‌های نهادی و حکمرانی همچون عایقی است که در

طول دوره افزایش قیمت منابع، منجر به جدا شدن نرخ‌های ارز واقعی از نوسان‌پذیری قیمت‌ها می‌شود. این امر پیامدهای گوناگونی بر روی صادرات محصولات صنعتی خواهد داشت. همان‌گونه که ریکن اشاره می‌کند، سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری درست دولت‌ها به‌ویژه در بازار ارز و سیاست‌های ارزی و تجاری تا حدود زیادی صادرکنندگان محصولات صنعتی را در مقابل کاهش نرخ ارز و تقویت ارزش پول ملی بیمه نموده و زمینه را برای افزایش توان رقابتی آن‌ها فراهم می‌آورد. به طوری که در این فضا صادرکننده می‌تواند با قیمت‌گذاری مناسب محصولات خود متقاضی خارجی را به سمت خود جلب نماید. Shakeri (2004)، نیز تأکید می‌کند که برای افزایش توان صادراتی کشور باید موانع کارکرد مؤثر سیاست‌گذاری قیمتی رفع شود و برای ارتقای صادرات غیرنفتی بر عوامل غیر قیمتی (مانند بهره‌وری و رقابت‌پذیری) تأکید بیشتری صورت گیرد.

در مجموع باید گفت افزایش مشارکت صادرکنندگان کالاهای صنعتی در فرآیند تصمیم‌سازی سیاست‌های ارزی، تجاری، مالی و غیره می‌تواند کمک مؤثری در بهبود انگیزه‌های صادراتی و فتح بازارهای جهانی پیش روی تولیدکنندگان داخلی باشد؛ تضمین ثبات سیاسی بدون از هرگونه آشوب و خشونت سرمایه‌های فیزیکی، انسانی و خارجی بسیاری را جذب بازارهای داخلی نموده و گسترش بازار داخلی را تضمین می‌کند، اثربخشی دولت و کیفیت تنظیم‌گری مقررات آشکارا با فعالیت‌های صادراتی بنگاه‌های داخلی در ارتباط است زیرا وجود زیرساخت‌های فیزیکی همچون بنادر، راه‌آهن و آموزش عالی و سیاست‌گذاری شفاف اقتصادی در حوزه قیمت‌گذاری نرخ ارز، نرخ‌های تعرفه و مالیاتی و سیاست سهمیه‌بندی تجاری به‌طور مستقیم بر حاشیه سود و توان چانه‌زنی بنگاه‌های تولید اثر می‌گذارد، سرانجام کیفیت دادگاه‌ها، تأمین قضایی و کنترل فساد نیز از جمله نهادهایی هستند که صادرکنندگان را به فعالیت‌های مولد تشویق می‌کند زیرا آن‌ها می‌دانند که از نتیجه فعالیت‌های صادراتی و فعالیت‌های نوآورانه آن‌ها برای افزایش سهم بازاری در بازارهای جهانی به‌خوبی حمایت می‌شود.

4- روش تحقیق

آزمون تجربی تأثیرگذاری نهادها بر عملکرد اقتصادی با مشکلاتی روبروست که از جمله

مسائل مهم در این خصوص، معرفی شاخص مناسب برای نهادهاست. تعیین این شاخص به-خصوص مناسب بودن آن با توجه به روش اقتصادسنجی مورد استفاده از جمله مسائل مهم در این زمینه می‌باشد. با این وجود در سالیان اخیر رشد چشم‌گیری در مورد شاخص‌های کمی اندازه‌گیری نهادها ایجاد شده است به طوری که گسترش شاخص‌ها و تحقیقات تجربی بحث‌های مهمی را درباره نقش اندازه‌گیری و سنجش نهادها و حکمرانی ایجاد کرده است (Knack, 2006). در این بین از جمله شاخص‌های نهادی مطرح، می‌توان به شاخص‌های حکمرانی خوب بانک جهانی اشاره کرد که از سال 2002 به طور سالانه اقدام به تهیه و تدوین این شاخص‌ها نموده است. حکمرانی خوب دارای شش شاخص، انتقاد و پاسخگویی، ثبات سیاسی و فقدان خشونت، کارآمدی دولت، کیفیت و چگونگی تنظیم مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد می‌باشد که با جمع این شاخص‌ها و میانگین‌گیری از آنها، شاخص کیفیت نهادی مورد نظر مطالعه حاضر ایجاد گردید. از مزایای این شاخص آن است که حدود 212 کشور و سرزمین را تحت پوشش قرار می‌دهد و با استفاده از چند صد متغیر از 35 منبع آماری مختلف به دست می‌آید که نشان از دقت بالا در تدوین آن‌هاست. از دیگر ویژگی‌های این شاخص، توجه آن بر دو بعد خرد و کلان نهادی کشورهاست.

باید گفت که پس از معرفی شاخص کیفیت نهادی مورد استفاده در این مطالعه و قبل از بیان توضیحات بیشتر در مورد مدل مورد بررسی بیان چند نکته لازم است. نکته اول، اینکه با توجه به تصریح بهتر شکل لگاریتمی، در مطالعه حاضر متغیرها به صورت لگاریتمی ارائه می‌شود تا بتوان کشش متغیر وابسته را نسبت به هر یک از متغیرهای مستقل به دست آورد. این موضوع کمک خواهد کرد که تأثیر متغیرها بر متغیر وابسته با دقت و حساسیت بیشتری مورد بررسی قرار گیرد. نکته دیگر آنکه با توجه به اینکه مقدار کمی هر یک از ابعاد حکمرانی در دامنه $2/5$ تا $2/5$ - توزیع شده است (به طوری که اعداد بزرگ‌تر نشان‌دهنده حکمرانی بهتر است) و در این شرایط منفی بودن برخی از داده‌ها امکان استفاده از شکل لگاریتمی را مقدور نمی‌سازد، لذا به پیروی از مطالعه & Liu Lio (2008) با یک تغییر مقیاس ساده مؤلفه‌های حکمرانی را در فاصله صفر و یک قرار داده و پس از آن از شکل لگاریتمی استفاده شده است در مجموع این تغییر مقیاس نتایج اصلی پژوهش را خدشه‌دار نمی‌سازد.

بنابراین در تحقیق حاضر با توجه به ادبیات نظری موجود و مطالعات پیشین، معادله‌ی مورد نظر در دوره‌زمانی 2002-2012 عبارت است از:

$$EX_{it} = C + \beta_1 LRE_{it} + \beta_2 LGD_{it} + \beta_3 LGO_{it} + U_{it} \quad (2)$$

که در آن LEX_{it} لگاریتم صادرات صنعتی¹ واقعی² کشور i ام در زمان t ، LRE_{it} لگاریتم نرخ ارز واقعی³ کشور i ام در زمان t ، LGD_{it} لگاریتم تولید ناخالص کشور i ام در زمان t و LGO_{it} لگاریتم کیفیت نهادی کشور i ام در زمان t می‌باشد.⁴

در خصوص انتخاب متغیرهای کنترل مورد استفاده در مدل مورد مطالعه و نحوه تأثیرگذاری بر صادرات صنعتی می‌توان گفت، یکی از توابع کلان که در محاسبات حساب جاری کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد تابع صادرات می‌باشد و بر طبق مبنای نظری موجود در اقتصاد کلان، دو متغیر مهم و تأثیرگذار در تابع عرضه صادرات، درآمد کشورها و نرخ ارز می‌باشد به طوری که با افزایش درآمد کشورها و توان تولیدی آنان انتظار بر آن است که صادرکنندگان به دلیل فراهم آمدن شرایط سودآورتر، عرضه صادراتی کالاها را افزایش دهند، بنابراین افزایش تولید داخلی رابطه‌ای مستقیم با عرضه صادرات خواهد داشت (Karbası & Akbarzade, 2011). همچنین در مورد نرخ ارز واقعی باید گفت که این متغیر دارای مفهوم پولی است و قدرت خرید پول را مورد سنجش قرار می‌دهد لذا از این نرخ می‌توان جهت تحلیل تراز پرداخت‌ها، اندازه‌گیری هزینه تولید کالاهای تجاری و تشخیص موقعیت رقابتی کشور بهره جست (Shahamed, 2006). همچنین با توجه به اینکه صادرات کالاهای صنعتی در اغلب کشورهای در حال توسعه، تا حد زیادی وابسته به واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای لازم برای این گونه تولیدات می‌باشد. افزایش نرخ ارز (ارزش یک واحد پول خارجی در برابر یک واحد پول داخلی) واقعی می‌تواند هزینه مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای لازم برای تولید و صادرات صنعتی را

1- Manufactured goods export (exports in thousands of dollars)

2- این متغیر از طریق شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی (CPI)، به قیمت 2010 واقعی شده است.

3 exchange rate(2000)

4- داده‌های مورد نیاز از پایگاه‌های داده WGI، WDI و UNCTAD استخراج شده است.

افزایش دهد و نهایتاً با افزایش هزینه‌های تمام شده صادرات صنعتی، بر صادرات این کشورها تأثیر منفی داشته باشد (Bahmani-Oskooee & Goswami, 2004). البته باید گفت که نرخ ارز از ابعاد دیگری نیز بر تراز تجاری و به تبع صادرات کشورها تأثیرگذار است. نرخ ارز می‌تواند بر قیمت نسبی کالاها تأثیرگذار باشد. برای مثال چنانچه نرخ ارز افزایش یابد، انتظار بر این است که به دلیل کاهش قیمت کالاهای داخلی نسبت به کالاهای مشابه خارجی، میزان صادرات افزایش یابد. در واقع نرخ واقعی ارز، از طریق تأثیر متفاوت بر قیمت کالاهای صادراتی و قیمت کالاهای وارداتی، تأثیری دوگانه بر صادرات صنعتی دارد. همچنین تغییر نرخ ارز قدرت رقابتی صادرکنندگان در برابر رقبای خارجی را نیز از طریق تأثیر بر قیمت کالای صادراتی تولیدکننده داخلی تحت تأثیر قرار می‌دهد (Taherifard, 2010).

جدول (1): ارزش صادرات صنعتی کشورهای مورد مطالعه بر حسب هزار دلار آمریکا

سال کشور	2005	2006	2007	2008	2009	2010	2011	2012
بحرین	2103918	2098266	3221262	3969894	3340141	3658500	4346479	4869878
بنگلادش	8589489	10770670	11895525	14800454	14663271	18512663	23621128	24305187
کلمبیا	7285380	8589213	11627002	11698314	8930854	8643555	9815189	9844862
کاستاریکا	4893027	5602435	5808428	6424076	5691467	6517970	7391778	8364599
ایران	5703007	6633849	7427985	9835351	8202448	14220672	16614799	13849212
عراق	177769/2	398794/9	213723/5	152160	380990/5	528262/9	509438/5	608227
اردن	3129228	3780750	4423704	5722501	4512608	5124590	5504040	5388397
کویت	3638938	3683235	4859350	7375086	5860540	6102849	7870407	9055094
عمان	1193708	1490898	2357367	3439920	3390103	4712736	6604619	9949674
پاکستان	13123503	13769155	14278513	14884078	13445582	15938528	18103873	18506019
قطر	2453623	3143299	3657023	3726783	3566310	5020238	6919323	8925512
عربستان	18998693	21212101	30195957	30713012	25879081	381845113	47989277	50474997
سريلانكا	4015548	4390734	4813382	4992450	4429067	5084749	6463708	6111650
تونس	7856404	8571958	10581682	13824645	10887865	12488520	13069201	12130110

منبع: UNCTAD

لازم به ذکر است که کشورهای منتخب در این مطالعه مشتمل بر 14 کشور، شامل بحرین، بنگلادش، کلمبیا، کاستاریکا، ایران، عراق، اردن، کویت، عمان، پاکستان، قطر، عربستان، سريلانكا، تونس می‌باشد. از ویژگی‌های مشترک اکثر این کشورها می‌توان به حجم اندک ارزش صادرات صنعتی در دوره مورد بررسی اشاره نمود که از این لحاظ در عرضه صادرات از همگنی

لازم برخوردار می‌باشند. در جدول (1) این موضوع قابل مشاهده است.¹ این کشورها شباهت‌های فرهنگی، نهادی بسیاری نیز با یکدیگر دارند و انتخاب این گروه کشورها با لحاظ نمودن محدود بودن داده‌های نهادی برای کشورها می‌تواند پاسخگوی این سؤال باشد که آیا صادرات صنعتی پایین این گروه کشورها از وضعیت نهادی آنان تأثیر پذیرفته است؟

1-4- تصریح مدل

با توجه به اینکه پژوهش حاضر یک مطالعه بین کشوری است، لذا بهترین روش برآورد در این مطالعه الگوی داده‌های تابلویی می‌باشد. الگوی داده‌های تابلویی یکی از موضوعات جدید و کاربردی در اقتصادسنجی است، چراکه کاربرد این الگو در سال‌های اخیر موجب شکل‌گیری برآوردهای کارا و سازگارتری در روش تحلیل رگرسیونی علوم مختلف به‌ویژه علوم اقتصادی - اجتماعی شده است. با توجه به محدودیت تحلیل‌های سری زمانی و لحاظ نشدن پویایی متغیرها در داده‌های مقطعی، می‌توان با استفاده از روش داده‌های تابلویی (داده‌های مقطعی - سری زمانی) دامنه تحقیقات را گسترش داده و به اغلب محدودیت‌های آماری در داده‌های مقطعی و سری زمانی فائق آمد. در این الگو، متغیرها در میان مقاطع جامعه آماری و هم در طول زمان اندازه‌گیری می‌شوند. استفاده از داده‌های تابلویی از چند منظر دیگر نیز حائز اهمیت است. نخست آن که این الگو با افزایش حجم نمونه اجازه‌ی انعطاف‌پذیری بیشتری را به محقق می‌دهد و نسبت به داده‌های سری زمانی استاندارد و مقطعی از درجه آزادی بالاتر و تغییرپذیری نمونه‌ای بیشتری برخوردار است. به این طریق، کارایی برآوردهای اقتصادسنجی بالا رفته و دقت برآورد افزایش می‌یابد که این امر سبب ایجاد اعتماد بیشتری نسبت به برآوردها می‌شود. از سویی دیگر، با توجه به این حقیقت که داده‌های تابلویی شامل اطلاعاتی در مورد بعد زمان و مقطع است، این امر به کنترل آثار متغیرهای حذف شده و یا مشاهده نشده، کمک بیشتری می‌نماید (Hsiao, 2006). همچنین زیاد بودن تعداد مشاهدات مسأله همخطی در اقتصادسنجی را تا حدود زیادی حل

1- به دلیل طولانی بودن دوره مورد بررسی و عدم امکان نمایش آن در قالب یک جدول واحد، گزارش از سال 2005 تا 2012 ارائه شده است.

می کند. به این دلیل که داده ها هم در طول زمان و هم در میان مقاطع تغییر می کند، احتمال کمتری در مورد همخطی متغیرها وجود دارد. از بعدی دیگر با استفاده از این روش، تورش برآورد تا حدود زیادی از بین می رود (ashrafzade & Mehregan, 2008).

شکل کلی الگوی داده های تابلویی به صورت زیر می باشد:

(1)

$$Y_{it} = \alpha + X_{it}\beta + \dots + U_{it}$$

$$i = 1, 2, \dots, N; \quad t = 1, 2, \dots, T$$

که در آن i بیانگر بعد مقطع (اشخاص، بنگاه ها، کشورها و ...) و t نشان دهنده بعد زمان است. Y_{it} ماتریسی در ابعاد $NT \times 1$ ، X ماتریسی در ابعاد $NT \times K$ و β نیز برداری به ابعاد $K \times 1$ است. به طوری که K ، تعداد متغیرهای توضیحی موجود در X_{it} می باشد. همچنین فرض می شود که حداکثر N واحد مقطعی و T دوره زمانی وجود دارد.

در مدل های تابلویی، بعضی از متغیرها بین واحدهای مقطعی یا طی زمان تغییر می کنند. برای لحاظ کردن این تفاوت ها از دو الگوی تأثیرات ثابت¹ و تصادفی² استفاده می شود. ویژگی بارز الگوی اثرات ثابت آن است که از طریق اضافه نمودن متغیرهای مجازی به مدل اصلی، عرض از مبدأ می تواند برای مقاطع مختلف و در طول زمان متغیر باشد و شامل موارد زیر می باشد:

- 1- مدل آثار ثابت یک جانبه مقطعی: عرض از مبدأ میان مقاطع مختلف متفاوت است.
- 2- مدل آثار ثابت یک جانبه زمانی: عرض از مبدأ در طی زمان های گوناگون متفاوت است.
- 3- مدل آثار ثابت دوجانبه: عرض از مبدأ میان مقاطع مختلف و طی زمان های گوناگون، متفاوت است.

البته مشکل استفاده از این روش آن است که اگر بیش از اندازه متغیر مجازی به مدل اضافه شود با مشکل کاهش درجه آزادی مواجه خواهیم شد. مدل اثرات تصادفی نیز در شرایطی که N نمونه تصادفی از یک جامعه بزرگ انتخاب شود مناسب می باشد. در این حالت N معمولاً بزرگ است و برآورد به روش اثرات ثابت منجر به از دست رفتن درجه آزادی زیادی می شود. بر خلاف روش

1- Fixed Effect Model

2- Random Effect Model

اثرات ثابت که فرض می‌کند اختلاف بین مقاطع، سبب انتقال تابع رگرسیون می‌شود، این روش جزء عرض از مبدأ را دارای توزیع تصادفی و به دو صورت ثابت و تصادفی فرض می‌کند. فروض حاکم بر جزء تصادفی، شبیه فروض حاکم بر جزء اخلاص بوده و این دو جزء، جمله اخلاص جدیدی را به وجود می‌آورند (Gujarati, 2006). به بیان کلی در الگوی تأثیرات ثابت، فرض بر آن است که تفاوت میان مقاطع می‌تواند در جمله ثابت ظاهر شود ولی در الگوی تأثیرات تصادفی، فرض می‌شود که تفاوت میان مقاطع می‌تواند در جمله اخلاص ظاهر شود.

از سویی دیگر اگر تمامی ضرایب طی زمان و برای مقاطع ثابت باشند می‌بایست از روش داده‌های ترکیبی¹ استفاده نمود که در آن کلیه داده‌ها با یکدیگر ترکیب و با روش حداقل مربعات معمولی (OLS)² برآورد می‌شود. از آن‌جا که در این روش اثر مقاطع مختلف در نظر گرفته نشده و داده‌ها به صورت همگن در نظر گرفته می‌شوند، با استفاده از این روش برآورد، در حقیقت محدودیت‌های زیادی در مدل ایجاد نموده و با خطای تصریح مدل مواجه می‌شویم؛ بنابراین استفاده از آن در تجزیه و تحلیل‌های کاربردی کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

برای تشخیص روش مناسب برآورد، در این مطالعه از آزمون‌های F-ANOVA و هاسمن³ استفاده شده است. در آزمون F-ANOVA که از نوع حداکثر راستنمایی می‌باشد، پنج فرض⁴ کلی کلی وجود دارد که عبارت‌اند از:

$$H_0^a: \delta_{\mu}^2 = 0$$

مقطعی

$$H_0^b: \delta_{\lambda}^2 = 0$$

زمانی

$$H_0^c: \delta_{\mu}^2 = \delta_{\lambda}^2 = 0$$

$$H_0^d: \delta_{\mu}^2 = 0 / \delta_{\lambda}^2 > 0$$

های تابلویی دو جانبه

1- Pooled data

2- Ordinary Least Squares

3- Hausman

4- لازم به ذکر است که درجه آزادی و آماره مربوط به این آزمون با توجه به فرض صفر تغییر می‌کند

های تابلویی دو جانبه (Baltagi, 2008).
 $H_0^e: \delta_\lambda^2 = 0 / \delta_\mu^2 > 0$ فرض صفر الگوی داده‌های تابلویی یک جانبه مقطعی و فرض یک داده-
 های تابلویی دو جانبه (Baltagi, 2008).

مزیت این آزمون نسبت به سایر آزمون‌های مشابه آن است که با توجه به فروض تعریف شده در آن علاوه بر مقایسه روش داده‌های ترکیبی با روش داده‌های تابلویی و به بیانی دیگر آزمون پانل‌پذیری مدل مورد بررسی، انواع روش‌های تابلویی (یک‌جانبه مقطعی یا زمانی و دو جانبه مقطعی و زمانی) نیز با یکدیگر مقایسه می‌شود (Baltagi, 2008).

همچنین آزمون هاسمن، جهت تشخیص آن که کدام روش برآورد (آثار ثابت یا تصادفی)، روش مناسب برآزش مدل می‌باشد، استفاده می‌شود. فرض صفر در این آزمون الگوی آثار تصادفی و آماره آن دارای توزیع مجانبی کای دو با K درجه آزادی (تعداد متغیرهای توضیحی) می‌باشد. چنانچه عدد به دست آمده از آزمون هاسمن از آماره کای دو جدول کوچک‌تر باشد (و یا مقدار احتمال آماره هاسمن بزرگ‌تر از پنج درصد باشد) فرض صفر مبتنی بر وجود الگوی آثار تصادفی را نمی‌توان رد کرد؛ بنابراین الگوی آثار تصادفی برای برآورد مدل مناسب‌تر است و در صورت عکس آن و رد فرضیه صفر (مقدار احتمال آماره هاسمن کمتر از پنج درصد باشد) مدل باید به روش اثرات ثابت برآورد شود (Baltagi, 2008).

بر این اساس نتایج حاصل از آزمون‌های عنوان شده که توسط نرم‌افزار Eviews محاسبه گردیده در جدول (2) قابل مشاهده است.

جدول (2): نتایج آزمون F-ANOVA و هاسمن در مدل مورد بررسی

آزمون F-ANOVA					آزمون هاسمن		آزمون
H_0^a	H_0^b	H_0^c	H_0^d	H_0^e	نوع مقطع	نوع زمان	
289/436 (0/000)	34/173 (0/000)	308/067 (0/000)	273/894 (0/000)	18/631 (0/145)	65/724 (0/000)	33/869 (0/000)	مدل

اعداد داخل پرانتز نشان‌دهنده مقادیر بحرانی در سطح 5% می‌باشند.

همان‌طور که مشاهده می‌شود نتایج حاصل از آزمون هاسمن نشان می‌دهد که آماره مربوط به این آزمون در مقطع برابر 65/724 و در نوع زمان برابر با 33/869 می‌باشد که هر دو این آماره‌ها در ناحیه رد فرضیه صفر مبنی بر وجود اثرات تصادفی از نوع مقطع یا زمان می‌باشد؛ بنابراین الگو

باید به روش اثرات ثابت برآورد گردد. همچنین نتایج حاصل از آزمون F-ANOVA نشان می‌دهد که با توجه به فرض H_0^e معنی‌داری اثرات یک‌جانبه مقطعی در مقابل اثرات دوجانبه مقطعی و زمانی تأیید می‌گردد. این در حالی است که فرض H_0^d معنی‌داری اثرات یک‌جانبه زمانی را در مقابل اثرات دوجانبه مقطعی و زمانی تأیید نمی‌کند؛ بنابراین با توجه به مطالب بیان شده بهترین الگو برای برآورد این رابطه الگوی اثرات ثابت یک‌جانبه مقطعی می‌باشد که با توجه به انتخاب این الگو جهت جلوگیری از همبستگی زمانی مقاطع بین داده‌ها با وجود واریانس ناهمسانی در طول مقاطع از روش داده‌ای مقطعی وزنی¹ جهت تخمین مدل استفاده خواهد شد. با توضیحات ارائه شده و انجام آزمون‌های مورد نیاز جهت رسیدن به روش مناسب برآورد در جدول (4) نتایج حاصل از تخمین مدل به روش الگوی داده‌های تابلویی یک‌جانبه مقطعی وزنی، قابل مشاهده است.

جدول (4): نتایج برآورد الگو به روش اثرات ثابت یک‌جانبه مقطعی وزنی

نام متغیر	ضریب برآورد شده	t آماره	سطح معنی‌داری
LRE	-0/6149	-4/7241	0/0000
LGD	1/2067	18/8692	0/0000
LGO	0/7606	2/7968	0/0059
عرض از مبدأ	-12/1073	-8/0533	0/0000
14=تعداد مقاطع	153=تعداد مشاهدات	$R^2=95$ تعدیل شده	=218/012F

منبع: محاسبات تحقیق

آماره F نیز نشان می‌دهد تمامی ضرایب به‌طور همزمان معنی‌دار هستند که این امر حاکی از معناداری مدل در کل می‌باشد. همچنین در این معادله، آماره t و سطح احتمال آن نشان می‌دهد در سطح خطای کمتر از یک درصد تمامی ضرایب معنی‌دار هستند. نتایج حاصل از برآورد مدل نشان می‌دهد در کشورهای منتخب مورد مطالعه، رابطه مثبت و معنی‌داری بین متغیر کیفیت نهادی و شاخص عرضه صادرات صنعتی وجود دارد و مقدار این

ضریب معادل 0/7606 است. به عبارتی یک درصد تغییر در کیفیت نهادی، شاخص صادرات صنعتی را 0/7606 درصد تغییر می دهد. این نتیجه با چارچوب نظری سازگار می باشد. به طوری که نتایج نشان می دهد بهبود فضای نهادی و سطح کلی حکمرانی و هدایت و تنظیم گری دقیق سیاست های انتخابی دولت در جامعه موجب بهبود صادرات صنعتی خواهد گردید. به عبارت دیگر، با استقرار یک فضای مناسب نهادی در جامعه به همراه تعاملات سازنده و تکمیلی دولت و بازار، احتمال بسیاری وجود دارد که رسانه ها، انجمن ها و اصناف بتوانند در پاسخگو نگه داشتن دولت نسبت به سیاست های اقتصادی اتخاذ و اجرا شده نقش اساسی ایفا کنند؛ اطمینان خاطر فراگیری نسبت به ثبات سیاسی، به وجود آید؛ چارچوب تنظیم و اجرای سیاست های اقتصادی بر تقویت مکانیسم بازارها عمل کند؛ دستگاه قضایی با اقتدار کامل از حقوق دارایی ها اعم از دارایی مادی و معنوی، امتیاز ثبت اختراع، ضمانت اجرای قراردادها و یا به طور کلی از حقوق دارایی های افراد و بنگاه ها حمایت کند؛ و سرانجام کنترل فساد منجر به استفاده از قدرت قانونی صاحب منصبان سیاسی و اجرایی در جهت مصالح کشور و شهروندان جامعه شود و این ها در مجموع باعث ایجاد محیط نهادی امن و قابل اطمینانی برای کشورها خواهد شد که این امر با افزایش قدرت رقابت پذیری در عرصه ملی، منطقه ای و بین المللی مطابقت خواهد داشت. همچنین لازم به ذکر است که این متغیر بعد از درآمد کشورها، در رتبه دوم تأثیر گذاری بر متغیر وابسته بوده و یکی از متغیرهای مهم و تأثیرگذار برای صادرات صنعتی این کشورها بشمار می رود. این نشان دهنده آن است که در این گروه کشورها شاخص کیفیت نهادی در اولویت تأثیر گذاری بالاتری نسبت به متغیر پولی نرخ ارز قرار دارد. کشش صادرات نسبت به این متغیر (با در نظر گرفتن ثابت بودن سایر شرایط) در کشورهای منتخب نزدیک به یک است که نشان دهنده کشش پذیر بودن صادرات نسبت به این شاخص می باشد.

علاوه بر این، علامت متغیرهای تولید داخلی و نرخ واقعی ارز نیز بر طبق انتظارات نظری است. به طوری که مشاهده می شود در گروه کشور مورد مطالعه رابطه مثبت و معنی داری بین درآمد کشورها و صادرات کالاهای صنعتی وجود دارد. به طوری که با یک درصد افزایش در این متغیر، صادرات صنعتی به میزان 1/2067 درصد افزایش می یابد. این نتیجه با چارچوب نظری سازگار می باشد. بر این اساس هرچه میزان رفاه و درآمد کشورها افزایش یابد، در عرضه کالاهای صنعتی از اقتصاد مورد نظر اثر افزایشی دارد. همچنین با استناد به مطالب عنوان شده در خصوص نرخ ارز

واقعی نتایج نشان می‌دهد افزایش این متغیر با افزایش هزینه تولید کالاهای صادراتی همراه بوده و موجب شده صادرات این کالاها کاهش یابد. به طوری که یک درصد تغییر در این متغیر 0/6149 درصد حساسیت منفی و معنی‌دار کالاهای صنعتی را در برداشته است. در مجموع نتایج حاکی از انتخاب مناسب متغیرهای کنترل می‌باشد.

5- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

رشد درخور تأمل تجارت طی دهه‌های اخیر در کشورهای مختلف دنیا و آمار صادرات صنعتی پایین کشورهای در حال توسعه مورد مطالعه، ضرورت مطالعه بیشتر در این حوزه و شناسایی عوامل تأثیرگذار در آن را برجسته می‌کند. انتظار بر آن است که علاوه بر عوامل اقتصادی و پولی همچون نرخ ارز، عوامل نهادی نیز می‌تواند در میزان توسعه صادرات تأثیری شایان تأمل داشته باشد. این نوشتار نیز اثرگذاری این عوامل بر توسعه صادرات صنعتی را در منتخبی از کشورهای در حال توسعه ارزیابی می‌کند. باید گفت که از جمله عوامل مهم بررسی تأثیرگذاری نهادها بر عملکرد اقتصادی، یافتن شاخص‌های مناسب نهادی می‌باشد که با توجه به مزیت‌های داده‌های نهادی ارائه شده توسط بانک جهانی، میانگین شش شاخص حکمرانی خوب در دوره 2002 تا 2012 شاخص نهادی بکار رفته در این مقاله می‌باشد. همچنین روش اقتصادسنجی داده‌های تابلویی با توجه به برتری‌های آن نسبت به داده‌های سری زمانی و مقطعی به عنوان روش برآورد مدل معرفی گردید.

نتایج پژوهش حاضر حاکی از رابطه تئوریک مثبت میان کیفیت نهادی با میزان صادرات صنعتی با معنی‌داری بالایی می‌باشد؛ بنابراین نتایج حاصل از این مطالعه می‌تواند حاوی نکات مفیدی برای سیاست‌گذاران دولتی باشد. به طوری که دولت‌های کشورهای مورد مطالعه برای دستیابی به حجم بیشتری از بازارهای جهانی باید در سیاست‌گذاری‌های خود توجه ویژه‌ای به بهبود محیط نهادی داشته باشند. برای بهبود حکمرانی لازم است که تعاملی نزدیک میان تولیدکنندگان، صادرکنندگان، سیاست‌گذاران و کارشناسان آگاه به وجود آید. پاسخگویی و نظارت در چهارچوب قوانین کشورها که با حکمرانی خوب محقق می‌شود فرآیندی است که می‌تواند دامنه سیاست‌های اختلال‌زا را کاهش داده و اقدامات دولت‌مردان را در جهت اجرای

سیاست‌های موافق بازار و رشد اقتصادی هدایت نماید. لغو قوانین تبعیضی، ساده‌سازی قوانین، تقویت احزاب و اصناف از جمله آثار دیگر حکمرانی خوب می‌باشد که می‌تواند در جهت حفظ حقوق تولیدکننده و صادرکننده عمل نماید. همچنین، با توجه به اثر منفی و معنی‌دار نرخ ارز در مدل مورد بررسی، افزایش نرخ ارز واقعی عاملی بازدارنده برای عرضه صادرات صنعتی قلمداد شده است که در نتیجه آن رقابت‌پذیری کاهش و هزینه مبادله افزایش خواهد یافت؛ بنابراین به نظر می‌رسد که تعیین نرخ معقول و مناسب ارز به‌منزله یکی از مهم‌ترین عوامل رقابت‌پذیری در عرصه بین‌الملل برای ارتقای صادرات می‌تواند در تشویق صادرکنندگان در کشورهای مورد مطالعه تأثیر بسزایی داشته باشد.

لازم به ذکر است که نتایج این مطالعه، تأیید می‌کند که بهبود شاخص نهادی بعد از درآمد کشورها در اولویت دوم تأثیرگذاری بر عرضه صادرات صنعتی قرار گرفته و متغیر پولی نرخ ارز واقعی، به‌عنوان یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر معادله صادرات، تأثیرگذاری کمتری نسبت به مؤلفه نهادی داشته است.

References

- Ashrafzade, H. & Mehregan, N. (2008). Panel data Econometric. University Of Tehran, Cooperation Research Institute. (In persian)
- Anderson, J.E., & Marcouiller, D. (2001). Trade and security, I: Anarchy. NBER, Working Paper, 6223.
- Anderson, J.E. (2005). Trade and Informal Institutions, in Handbook of international Trade: Economic and legal analysis of Laws and Institutions, edited by E. K. Choi and J. C. Hartigan. Oxford, UK: Basil Blackwell, 93-279.
- Anderson, J.E, & Marcouiller, D. (2006). Insecurity and the pattern of Trade: An Empirical investigation. Review of Economics and Statics, 84(2), 1 - 36.
- Araujo, L., Mion, G., & Ornelas, E. (2012). Institutions and Dynamic Export. available online in: personal.lse.ac.uk/ornelas/amo_lastversion.pdf.
- Bahmani-Oskooee, M., & Goswami, G. (2004). Exchange rate sensitivity of japans bilateral trade flows. Journal of Japan and the World Economy, 16, 1-15.
- Bakhtazma, J. (2011). To prioritize CIS Markets for Iran Non-Oil Exports Due to the Obstacles Ahead, Case Study of Khorasan Razavi. master thesis, Ferdowsi University, mashhad. (In persian)
- Baltagi, B. H. (2008). Econometric Analysis of Panel Data. John Wiley and Sons.

Busse, M., Groning, S.(2011). The resource Curse revisited: governance and natural resources. *Journal of Public Choice*, 154, 1-20.

Coase, R. (1937). The nature of the firm. *Economical*, 4(16), 386-405.

Coase, R. (1960). The problem of social cost. *Journal of Law and Economics*,3, 1-44.

Dollar, D., & Kraay, A. (2003). Institutions, trade and growth. *Journal of Monetary Economics*, 50(1), 133-162.

Esazadeh, C. & Ahmadzadeh, A. (2009). The effect of institutional factors on economic growth, with emphasis on governance institutions, *Economic research*, 40(13), 1-28.(In persian)

Francois, J., Manchin, M.(2013). Institutions, Infrastructure and Trade. *Journal world Development*, 46, 165-175.

Gani, A., & Prasad, B.C. (2006). Institutional quality and trade in Pacific Island Countries, Asia Pacific Research and Training Network on Trade. Working Paper Series.

Gujarati, D. (2006). Foundations of econometrics. Translation Hamid Abrishami. Tehran: Tehran University Press.(In persian)

Hsiao, Ch. (2006), Panel Data Analysis-Advantages and Challenges, Working Paper, Institute of Economic Policy Research (IEPR), University of Southern California.

Im, K. S., Pesaran, M. H., & Shin, Y. (2003). Testing for Unit Roots in Heterogeneous Panels. University of Cambridge, Department of Applied Economics.

Karbasi, A. & Akbarzadeh, H. (2011). Assess the impact of bank credit growth and real exchange rate on agricultural products. *Agriculture and development*, 19(73).(In persian)

Knack, S. (2006). Measuring corruption in eastern europe and central asia: a critique of the cross-country indicators. World Bank Policy Research Working Paper. WPS3968.

Knack, S., & Keefer, P. (2007). Boondoggles, rent-seeking, and political checks and balances: public investment under unaccountable governments. *Review of Economics and Statistics*, 3, 566-572.

Levin, A., and Lin, C. F.(2002). Unit Root Tests in Panel Data: Asymptotic and Finite Sample Properties,University of California, San Diego, Discussion Paper No: 92-93.

Lio. M., & Liu. M. C. (2008). Governance and Agricultural Productivity: a Cross-National Analysis, *Food policy*,33, 504-512.

Maddala, G.S., & Wu, S. (1999). A Comparative Study of Unit Root Tests with Panel Data and a New Simple Test. *Oxford Bulletin of Economics and Statistics*, Special Issue, 61, 631-652.

Mauro, p. (1998). Corruption and the composition of Government Expenditure. *Journal of public Economics*, 69(4), 79 – 263.

Memedovic, O. (2009). The Impact of Institutions on Structural Change InManufacturing: The Case of International Trade Regime in Textiles and Clothing. Available online in: www.unido.org/fileadmin/user_media/.../WP252009_Ebook.pdf.

Mehrara, M. & Rezaee, A. (2010). The quality of institutions and the effects of trade liberalization in developing countries. *Journal of Commerce*. (In persian)

North, D.C. (1990). *Institutions, institutional change and economic performance*. Cambridge University Press, Cambridge.

Rauch, J.E. (2002). Ethnic Chinese Networks in International Trade. *Review of Economics and Statistics*, 84(2), 30 – 116.

Rickne, J. (2009). Oil Prices and Real Exchange Rate Volatility in Oil-Exporting Economies: The Role of Governance. IFN Working Paper, 810, 1 – 48.

Rodrik, D. (2004). Institutions rule: The primacy of institutions over geography and integration in economic development. *Journal of Economic Growth*, 9, 131–165.

Sekkat, Kh., & Meon, P.G. (2004). Does the quality of institutions limit the MENA's integration in the world economy?. *Journal of The World Economy*. 27(9), 145- 149.

Sekkat, Kh., & Meon, P.G. (2009). Institutional Quality and Trade: which Institutions? Which trade?. *ULB Institutional Repository*, 46(2), 227 – 240.

Shakeri, A. (2004). Determinants of non-oil exports of Iran. *Journal of Economic Research of Iran*, 21, 23-50. (In persian)

Shahamed, T. (2006). Factors affecting exchange rates and estimates of real exchange rate based on the model of international finance. master thesis, Ferdowsi University, mashhad. (In persian)

Taherifard, A. (2010). Currency role in the development of non-oil exports in Iran. *Program and Budget*, 89, 47-78. (In persian)